

منتخباتی از
مکاتیب حضرت
عبدالہبء

*Selections from the
Letters of 'Abdu'l-Bahá*

Copyright © 1979 by the
National Spiritual Assembly of the
Bahá'ís of the United States

World Rights Reserved

BAHÁ'Í PUBLISHING TRUST
Wilmette, Illinois 60091

Printed in U.S.A.

امید داریم که آنچه جناب عمانوئیل بشارت داده امروز تو بآن قیام نمائی و یقین بدان که موفق میشوی زیرا تأییدات روح القدس پیاپی میرسد و قوت کلمه چنان نفوذ کند که حرف آئینه مجلای آفتاب کلمه شود و فیض و انوار کلمه جهانرا روشن نماید اما اورشلیم آسمانی که در قطب امکان استقرار یافته و قدس الأقداس ربّانی که علم افراخته جامع جمیع کمالات و تعالیم سابقه است و از آن گذشته منادی وحدت عالم انسانیست و علم صلح عمومی و روح حیات ابدیه و نور کمالات الهیه و فیض محیط عالم آفرینش و زینت و آرایش آفرینش و سبب آسایش عالم بشر است بالوواح مقدسه مراجعت نمائید اشراقات و تجلیات و کلمات و بشارات و طرازات و کتاب اقدس ملاحظه مینمائید که این تعالیم الهیه الیوم در مان درد عالم انسانیست و مرهم زخم جسد امکانی روح حیاتست و سفینه نجات و مغناطیس عزت ابدیه و قوه نافذ در حقیقت انسانیه *

۳۰- وجود برد و قسم است یکی وجود حق که مقدس از ادراک خلق است او غیب منیع لایدرک است او مسبوق بعلمت نیست بلکه موجد علمه العلیل است او قدیم لا اول است غنی مطلق است و وجود ثانی وجود خلق است وجود عام است که مفهوم ذهنی است عقل انسان ادراک مینماید این وجود

حادث است محتاج است و مسبوق بعلمت است و حادث است لهذا حادث قدیم نگر در و قدیم حادث نشود خلق خالق نگر در و خالق خلق نشود قلب ماهیت محال است در عالم وجود یعنی وجودیکه مفهوم ذهنی است و حادث است مراتب است مرتبه اولی جماد است بعد مرتبه نباتت در مرتبه نبات مرتبه جماد موجود ولی امتیاز دارد کمال نباتی دارد و در مرتبه حیوان کمال جمادی و کمال نباتی موجود و کمال دیگر که کمال حیوانیست دارد سمع و بصر دارد و در مرتبه انسان کمال جمادی موجود و کمال نباتی موجود و کمال حیوانی موجود و از اینها گذشته کمال عقلی موجود که کاشف حقایق اشیاست و مدرک کلیات پس انسان در حیز کائنات اکمل موجود است و مقصد از انسان فرد کامل است و آن فرد کامل مانند آئینه است و کمالات الهی در آن آئینه ظاهر و مشهور اما شمس از علو تقدیس تنزل ننماید و داخل آئینه نگر در ولی چون آئینه صافیست و مقابل شمس حقیقت کمالات شمس حقیقت که عبارت از شعاع و حرارت است در آن آئینه ظاهر و آشکار گردد و این نفوس مظاهر مقدسه الهیه هستند *

۳۱- ای عزیز دانا نامه‌ئی که بتاريخ ۲۷ ماه می ۱۹۰۶ مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید مضمون در نهایت ملاحظت بود

غایت مسرت حاصل گشت سؤال نموده بودید که آیا این امر تازه
 زنده ممکن است که جای آئین مرده انگلستان گیرد و حال آنکه
 احزابی تشکیل شده که در مقامات سامیه علوم روحانیه و قوای رحمانیه
 بدرجات عالییه رسیده اند و در کمال ممتاز از جمیع اسلاف شده اند
 با وجود این ممکن است این امر بدیع در انظار چنین احزاب چنان
 جلوه نماید که قلوب را جذب و کل را در ظل ظلیلش جمع فرماید
 ای یار عزیز بدان که فرد ممتاز هر عصر بحسب کمالات آن عصر است
 شخص ممتازی که در قرون سالفه بود بحسب قرون اولی بود اما
 در این عصر نورانی و در این قرن رحمانی شخص جلیل و کوکب منیر
 و فرد ممتاز بقوت و کمالاتی جلوه نماید که عاقبت جمیع احزاب را
 حیران کند و چون در کمالات روحانیه و فضائل رحمانیه فائق بر کل
 افراد است بلکه مرکز سنوحات رحمانیه است و قطب دایره نورانیه
 البتّه محیط است و شبههئی در آن نیست که چنان جلوه نماید که
 کل را در ظل ظلیل آورد و چون بدقت نظر نمائی این نظام و قانون
 را در جمیع اشیا محقق یابی کل جاذب جزء است و مرکز محور
 پرگار در دایره حضرت روح را ملاحظه نما که چون مرکز قوه
 روحانیه و مصدر سنوحات رحمانیه بود هر چند در بدایت حال
 معدودی قلیل را بظّل خویش در آورد ولی من بعد بان قوه غالبه
 جمیع احزاب را در ظلّ خیمه مسیحائی در آورد حال را قیاس بر

ماضی کن ببین چه قدر فرق دارد از این میتوانی قیاس کنی
 و بی بحقیقت بری و یقین بنمائی اختلاف احزاب عالم از تفاوت
 ادراکاتست مادام قوای ادراکیّه مختلف البتّه آراء و افکار مختلف
 شود اما اگر یک قوه ادراکیّه کلیهئی که محیط بر کل است بمیان
 آید آن آراء مختلفه متفق گردد و الفت و یگانگی معنوی ظهور
 نماید مثلاً حضرت روح وقتیکه ظاهر شدند ادراکات خلق و
 احساسات و عقول طوائف موجوده مثل طایفه رومان یونان سریان
 اسرائیلیان مختلف بود چون قوه کلیه روح الله بمیان آمد
 عاقبت بعد از سیصد سال جمیع آراء مختلفه را در ظل مرکز واحد
 جمع نمود احساسات روحانیه واحد حاصل گشت در مقام مثل
 ذکر میکنم سپاه در تحت اداره سران عسکر که آراء مختلف دارند
 واقع البتّه در تعیین خطّ حرب و حرکت اختلاف نمایند ولی چون
 سردار کل که در فنون حرب ماهر بمیان آید جمیع آن آراء مختلفه
 محور گردد و رأی واحد شود و سردار کامل کل را بظّل اداره خویش
 آورد این مقام مثل است نه مثل حال اگر گوئی که سران این
 لشکر هر یک متفلسّ در فنون حرب و ماهر و مجرب چگونه تمکین
 شخص واحد نمایند و لوجلوه زاید الوصف نماید این سخن غیر
 مسموع زیرا این قضیه یقین است و شبههئی در آن نیست و
 همچنین مظاهر مقدّسه علی الخصوص حقیقت اسم اعظم جمال ابهی

در انجمن عالم چون پرده براندازد مانند یوسف کنعانی در مصر
 رحمانی بصباح و ملاحظی جلوه نماید که دلبران عالم را اسیر
 خویش فرماید و اما نفوسیکه در این جهان تولد یابند و لطیفه ها
 نورانی هستند ولی از شدت گرفتاری از فوائد کلی محروم شوند و از
 این عالم بروند حقیقتاً شایان تأسف است و نظریان حکمت است
 که مظاهر کلیه در این جهان کشف نقاب کنند و تحمل هر مشقت و
 بلا نمایند و خود را فدا فرمایند تا این نفوس مستعدده را ماطالع
 انوار کنند و حیات ابدیه بخشند اینست قربانی حقیقی که حضرت
 مسیح خود را بجهت حیات عالم فدا نمود
 و اما مسئله تأثیر نفوس مقدسه روحانیه و امداد و فیوضات بخلق بعد
 از خلع قالب عنصری این مسئله مسئله بهائیانست بلکه مظاهر
 مقدسه الهیه رافیه عظیم و نور مبین بعد از صعود از این عالم است
 حضرت مسیح را اعلاء کلمه و ظهور قوت الهیه و تقلیب نفوس زکیه
 و اعطاء حیات ابدیه بعد از شهادت عظیمتر و بیشتر بود و همچنین
 جمال مبارک را بعد از صعود فیوضات بیشتر و سطوع انوار زیاد تر
 و ظهور قوت الهیه عظیمتر و نفوذ کلمه شدید تر است و چندی نگذرد
 که شمس حقیقتش حرکت و حرارت و نورانیت و موهبتش جمیع آفاق را
 احاطه نماید و اما از قلت ترقی امریهائی در آن مملکت مکدر میباش
 این بدایت طلوع است در امر حضرت مسیح ملاحظه نما که سیصد

سال کشید تا آنکه نفوذ عظیمه ظاهر گردید حال از بدایت این
 امر شصت سال نگذشته که انوارش بر جمیع آفاق تابیده
 و اما مجمع شفائی که تو از اعضاء آن هستی و قتیکه در ظل این
 امر آید قوت نفوذش صدرتبه برافزاید ملاحظه مینمائی که محبت
 بهائیان بچه درجه است و اساس محبت است همچنانکه قوه حب
 در بهائیان در نهایت کمال و ممتاز از سایر ادیانست بهمچنین
 در جمیع شئون چنین است زیرا اساس کل محبت است
 و اما مسئله ترجمه کتب و الواح جمال مبارک عنقریب در جمیع
 لسان بمنتهای فصاحت و بلاغت مجری خواهد گردید الواح
 حضرت بهاء الله و قتیکه مطابق اصل در نهایت بلاغت و فصاحت
 ترجمه شود انوار معانی آنوقت ساطع شود و جمیع چشمه‌ارار روشن
 کند شما بقدر قوه بکوشید که ترجمه مطابق اصل باشد
 جمال مبارک بحیفا بسیار تشریف بردند و شما فائز گشتید و لسی
 آنوقت نمیشناختید و امید وارم که بملاقات حقیقی فائز گردی و آن
 مشاهده بدیده بصیرتست نه بصر
 جوهر تعالیم حضرت بهاء الله محبت جامعه است که شامل جمیع
 فضائل عالم انسانیه است و مورث حیات ابدیه و سبب ترقی جمیع
 افراد بشر است عنقریب ملاحظه مینمائید که این تعالیم آسمانی
 مانند نور حقیقت جمیع آفاق را احاطه و روشن نماید

مناجات مختصری که در آخر نامه نگاشتی فی الحقیقه بسیار بدیع
و لطیف و مطیع و مؤثر است همیشه تلاوت نما *

۳۲- ای امانه رحمن در این قرن ربّ عظیم آفتاب علیین
نور حقیقت در شدت اشراقست و شمس در نقطه احتراق و انوار
ساطع بر آفاق چه که نشئه اولای ظهور جمال قدست و ظهور قوت
بازوی اسم اعظم روحی لأحبائه الفدا در قرون آتیه هر چند دائره
امر الله يك برصد اتساع یابد و سدره منتهی ظلش آفاق را احاطه
کند ولی این قرن بطلوع و سطوع آن شمس فائز گردیده مبداء
اشراقست و مطلع انوار و قرون آتیه اعصار انتشار آثار پس جهدی
بلیغ نماید تا نصیب تام و بهره فراوان برید *

۳۳- ای بنده الهی آنچه بجناب ابن ابهر مرقوم نمودید
ملاحظه گردید از آیه من یدعی امراً قبل اتمام الف سنه کامله
انه من المفترین سؤال نموده بودید این مقصد آنست که نفسی
قبل از الف معلوم مشهور عند الناس من دون تأویل ادعای امری نماید
ولو آياتی ظاهر نماید آنه من المفترین این امر مراد ظهور گلگی
نیست چنانچه در آیات مبارکه صریحاً مذکور که قرنهای بگذرد
والوف از سنه منقضی شود تا ظهوری مانند این ظهور ظاهر شود

اما یحتمل بعد از الف بعضی از نفوس مقدسه موفق بامری گردند
اما نه ظهور گلگی لهذا کور جمال مبارك فی الحقیقه هر روزش سا^{کیست}
و هر سالی هزار سال مثلاً در آفتاب ملاحظه نما که انتقالش از
برجی ببرجی در مدت قلیله حاصل گردد ولی حرارت و شعاع
شدیده آفتاب در برج اسد بعد از مدتی مدیده بتابد يك در
تام در سائر بروج زند تا بپنج اسد رسد و چنین جلوه و ظهور
نماید در سائر بروج شدت حرارت و سطوع نه خلاصه کلام
اینست که قبل از الف نفسی نفسی نتواند زد باید در سلك رعیت
باشد و خاضع و خاشع او امر الهی و احکام بیت العدل اگر
از حکم بیت العدل عمومی مقدار رأس ابره تجاوز نماید یا در اطاعت
توقف کند مردود و مطرود است اما کور جمال مبارك و دور اسم
اعظم سنین و دهوار است و آن دور و کور مقید بالف والفین نه
مقصود از این عبارت که بدایت این الف ظهور جمال مبارکست
و هر روزش هزار سال مقصد دور و کور جمال مبارکست که باین
اعتبار مدتی مدیده است و دهوری عدیده *

۳۴- ای خادمه عالم انسانی نامه ات رسید و از مضمون
بسیار مضمون شدیم برهانی قاطع بود و دلیلی ساطع در این عصر
نورانی و ترقی عالم انسانی چنین شایسته و سزاوار است که انسان